

## مراتب قرب الهی و الگوهای خداجویان\*

آیت‌الله علامه محمدتقی مصباح

### چکیده

این مقاله حاصل قلمی شده درس اخلاق استاد علامه مصباح و شرحی بر دعای مناجات‌المریدین امام سجاد علیه السلام است. در فراز پایانی این دعا، هدف برتر و نهایی انسان، که فراتر از سعادت دنیوی و خوشی و لذت‌های اخروی است، قرب و رضوان الهی معرفی شده است. تقرب به خدا، به عنوان هدف برتر، دارای دو مرتبه است: مرتبه پایین تقرب به خداوند و بهره‌مندی از مقاماتی که از لوازم تقرب به خدا به شمار می‌آیند. در این مرحله، انسان از نعمت‌های بهشتی بهره‌مند می‌شود. در مرتبه عالی‌تر، هدف و غایت، تقرب و رضوان الهی است. این مرحله، اوج شیدایی بنده واصل به معبود خویش است. در این مرتبه، هیچ چیزی جز همشینی و رضوان الهی برای بنده واصل مهم نیست.

**کلیدواژه‌ها:** قرب الهی، رضوان، مناجات، مراتب تقرب.

---

\* این متن حاصل قلمی شده درس اخلاق استاد علامه مصباح در دفتر مقام معظم رهبری در قم می‌باشد.

### اهمیت نگرش به ادعیه و مناجات‌ها

ادعیه و مناجات‌های ائمه اطهار علیهم‌السلام دربرگیرنده عالی‌ترین مضامین عرفانی و معرفتی است و به جهت نقش بی‌بدیل آنها در رشد و تعالی علمی و معنوی انسان، بزرگان ما اهتمام وافری به آنها داشتند و بخش قابل توجهی از وقت خود را صرف خواندن و تدبیر در دعاها و مناجات‌ها می‌کردند. از شمار آن بزرگان و شخصیت‌های برجسته عالم اسلام می‌توان به امام خمینی رضی‌الله‌تعالی‌عنه اشاره کرد. شخصیتی که به جرئت می‌توان گفت از حیث جامعیت علمی و عملی در دوران غیبت امام زمان (عج) بی‌نظیر است و به تمام ابعاد اسلام در حد کمال آشنایی داشت. ایشان در رشته‌های علمی مربوط به اسلام، نظیر عرفان، فلسفه، فقه و اصول در حد عالی تخصص داشتند و به آموزه‌های اسلامی در زمینه‌های فردی و اجتماعی کاملاً آشنا بودند و برای پیاده کردن آن آموزه‌ها تلاش فراوانی از خود نشان دادند. ابعاد سیاسی، مبارزاتی و فقهاتی آن بزرگوار برای همه مسلمانان، علما و دانشمندان شناخته شده است. بخصوص قدرت رهبری ایشان برای دوست و دشمن آشکار گشته است. اما برخی از ابعاد آن شخصیت بزرگ کمتر مورد توجه قرار گرفته است. یکی از ابعاد شخصیتی حضرت امام رضی‌الله‌تعالی‌عنه که کمتر به آن پرداخته شده است، بُعد عرفانی و توجه خاص ایشان به دعاها و مناجات‌های وارده از سوی معصومان علیهم‌السلام و اهمیتی است که ایشان برای آنها قایل بودند. ایشان مکرر در درس اخلاق خود می‌فرمودند که دعاها و ائمه اطهار علیهم‌السلام قرآن صاعد هستند. قرآن کلام نازل از سوی خداوند و برای بندگان خدا نازل گشته است و دعاها سخنانی است که بر زبان ائمه اطهار علیهم‌السلام جاری گشته و به سوی خداوند و به سوی عرش خداوند بالا می‌روند. آن بزرگوار وقت قابل توجهی از خود را حتی در

سخت‌ترین شرایط به تلاوت قرآن و ادعیه اختصاص می‌دادند. چنان‌که فیلمی که از روزهای پایانی عمر شریف آن رهبر یگانه تهیه شده نشان می‌دهد که چگونه ایشان با وجود شرایط وخیم جسمی و رنج و سختی‌های طاقت‌فرسای بیماری، اهتمام جدی به قرائت قرآن، اقامه نماز و خواندن ادعیه داشتند و در ساعات هشیاری وقت خود را به خواندن نماز، قرآن و دعا سپری می‌ساختند.

### مراتب تقرب به خداوند

با توجه به اهمیت ادعیه و مناجات‌های وارده از سوی حضرات معصومین علیهم‌السلام و معارف بلندی که در آنها وجود دارد، ما محور مباحث خود را مناجات خمس عشر قرار داده‌ایم. در ادامه مباحث، در طی چند جلسه اخیر، فرازهایی از مناجات مریدین را از نظر گذرانیم. در یکی از آنها، فراتر از خوشی‌ها و سعادت دنیوی و حتی فراتر از خوشی و لذت‌های اخروی، قرب و وصول الی‌الله به مثابه هدف برتر و نهایی انسان معرفی شده بود. هدفی که پس از نیل بدان، انسان حجاب و حایلی بین خود و خدا نمی‌یابد و کاملاً خود را در جوار خدا و در محضر او می‌یابد. البته تقرب به خداوند به عنوان هدف برتر دارای دو مرتبه است: مرتبه پایین تقرب به خداوند، درخواست بهره‌مندی از مقاماتی است که لوازم تقرب به خداوند به شمار می‌آیند. در این مرتبه، انسان برای اینکه از بهشت و نعمت‌های بهشتی؛ نظیر خوراکی‌ها، کاخ‌ها و همسران بهشتی که در قرآن و روایات توصیف شده‌اند، بهره‌مند گردد، در جست‌وجوی تقرب به خداوند برمی‌آید. در واقع، در این مرتبه، مطلوب اصلی انسان قرب الهی نیست، بلکه مطلوب اصلی او دسترسی به آن نعمت‌هاست. خداوند را برای آنکه وی را از آن نعمت‌ها

و لذت بردن از مناجات با آفریدگار همه خوبی‌ها و زیبایی‌ها سخن به میان آمده، از یک سو بندگان خاص خدا که دارای همتی بلند و عالی‌اند به ما معرفی شده‌اند. از سوی دیگر، برترین الگو و سرمشق برای زندگی سعادت‌مندان در اختیار ما نهاده شده است. حضرت به ما گوشزد کرده‌اند که الگو و سرمشق ما و بهترین بندگان خدا کسانی نیستند که با هدف رسیدن به نعمت‌های بهشتی و کام‌جویی از لذت‌های پایدار اخروی خدا را بندگی می‌کنند، بلکه الگو و سرمشق بی‌بدیل جویندگان کمال و تعالی کسانی هستند که به معرفت ناب خداوند نایل گشته‌اند و از زمزم صفات جمال و جلال الهی بهره‌مند گردیده‌اند. آنان که جز لقای دوست و انس با او را نمی‌جویند، حتی اگر رضای محبوب در حرمان از بهشت و سوختن در آتش جهنم باشد، با همه وجود به لوازم رضای محبوب تن می‌دهند. البته روشن است که سرسپردگان معبود از ناب‌ترین و عالی‌ترین فیوضات و الطاف رحمانی بهره‌مندند و خداوند هیچ‌گاه آنان را با شلاق قهر خود نمی‌نوازد. سخن در این است که آنان هیچ چیزی را بر رضا و لقای محبوب ترجیح نمی‌دهند. اوج تعالی و کمال آنان در وصال محبوب است. البته ما جلوه‌های رقیق و کم‌رنگی از آن محبت و عشق ناب را در محبت‌های دنیوی نیز مشاهده می‌کنیم. محبت بی‌شائبه و بدون چشمداشت مادران به فرزندان خویش از این جمله است که وجودشان سرشار از عشق و محبت به فرزندان است. نه تنها این محبت را بهانه‌ای برای تأمین توقعات و انتظارات خود نساخته‌اند، بلکه حتی اگر از سوی فرزندان بر آنان شرر و بلا ببارد، از آن محبت کاسته نمی‌شود و بی‌مهری‌های فرزندان را با مهر و عاطفه مادرانه پاسخ می‌گویند. آنان که طعم محبت بی‌شائبه مادر به فرزندان را چشیده‌اند، بهتر می‌توانند عظمت محبت اولیای

برخوردار سازد، می‌خواهد و برای رسیدن به قرب او و جلب رضایت او تلاش می‌کند. نظیر کسی که با دیگری طرح دوستی می‌ریزد تا از موقعیت و امکانات او استفاده کند و دوستی و رفاقت او وسیله‌ای برای رسیدن به منافع و خواسته‌هایش می‌باشد. اما در مقابل کسی با دیگری طرح دوستی می‌ریزد و آن دوستی و رفاقت به جهت محبت و علاقه‌ای است که به دوست خود دارد و چنان در این دوستی ثابت‌قدم و استوار است که حتی اگر منفعتی نیز از دوستش به وی نرسد، خللی در رفاقت و دوستی او پدید نمی‌آید؛ زیرا او برای آن رفاقت اصالت قایل است و آن را وسیله‌ای برای تأمین منافع خود قرار نداده است.

دوستی خالصانه خداوند و عاری از انگیزه‌های نفسانی و منفعت‌جویانه، در برخی از روایات انگیزه مرتبه عالی عبادت و پرستش خداوند معرفی شده است. امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید: «الْعِبَادَ ثَلَاثَةٌ: قَوْمٌ عَبَدُوا اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ حَوْفًا فَيَنَلُّكَ عِبَادَةُ الْعَبِيدِ، وَقَوْمٌ عَبَدُوا اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى طَلَبَ الثَّوَابِ فَيَنَلُّكَ عِبَادَةُ الْأَجْرَاءِ، وَقَوْمٌ عَبَدُوا اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ حُبًّا لَهُ فَيَنَلُّكَ عِبَادَةُ الْأَحْرَارِ، وَهِيَ أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ»<sup>(۱)</sup> عبادت‌کنندگان سه گروه‌اند: ۱. گروهی که خدای عزوجل را از ترس (عذاب جهنم) عبادت می‌کنند و این عبادت بردگان است. ۲. گروهی که خدای تبارک و تعالی را به طمع ثواب و پاداش عبادت می‌کنند و این عبادت مزدوران است. ۳. گروهی که خدای عزوجل را از روی دوستی و محبت خالصانه به او عبادت می‌کنند و این عبادت آزادگان و بهترین عبادت است.

#### الگوهای شایسته خداجویان در کلام امام سجاد علیه السلام

در این مناجات، که سخن از نعمت‌های عادی بهشتی، نظیر حورالعین، کاخ‌ها و غذاهای بهشتی به میان نیامده و از قرب الهی، رضایت خداوند، دیدار با معبود و انس با او

هوای توام. خشنودی تو مقصد نهایی من است و به مشاهده تو سخت نیازمندم، و نعمت جوار تو مطلوب من، و مقام قرب تو منتهای خواهش من است، و حال مناجات با تو فرح و آرامش خاطر من است و دوی دردم و شفا بخش دل سوزانم و تسکین بخش آتش درونم و زایل کننده غم و اندوهم نزد توست. پس در هنگام بیم و وحشت تنهایی مونس من باش، و از لغزش هایم درگذر، و زشتی های رفتارم را ببخش، و توبه ام را بپذیر و دعایم را اجابت کن و در برابر گناهان و لغزش ها یاریگر و نگهبان من باش، و فقر و نیازم را برطرف ساز، و رشته اتصالم به خود را قطع نگردان، و مرا از خود دور نساز، ای تو نعمت و بهشت و دنیا و آخرت من.

#### اوج نجوای روح شیدایی بنده واصل با معبود خویش

بخش پایانی مناجات با مغازه و معاشقه، آمیخته است. حضرت در نجوای رمزگون خود از خداوند می خواهند که ایشان را در سلک پیشگامان طریق کمال و قرب خویش قرار دهد. بلکه منزلت و مقامی فراتر از آنان به ایشان عنایت کند و بیش از دیگران آن حضرت را به مراتب عالی محبت و عرفان خویش نایل گرداند. آن گاه برای اینکه حال خود نسبت به معشوق و معبود را بیان کنند، پرده از راز دل شیدایی و اسیر جلوات رحمانی می گشایند و می فرمایند، خدایا همت<sup>(۲)</sup> و علاقه و توجه من تنها به تو جلب گشته است و من تنها به تو رغبت دارم. گاهی انسان اصالتاً به چیزی علاقه مند است و علاقه او به لوازم و مقدمات آن چیز فرعی و به تبع علاقه به آن چیز است. اما گاهی علاقه و توجه انسان به کسی یا چیزی چنان شدت می یابد که سراسر دل انسان را فرا می گیرد و همه توجه انسان منحصر در محبوب می شود و محبت و توجه به غیر در شعاع محبت به محبوب خواهد بود. بدین

خدا به معبود را - که در این مناجات خداجویان لقب گرفته اند - بشناسند. محبتی که در پرتو آن، همه راه هایی که به غیر معبود منتهی می شود به روی خود بسته اند و تنها راه وصول به معبود را به روی خویش گشوده داشته اند و از معبود و محبوب خویش می خواهند که دستشان را بگیرد و از کوتاه ترین و کم خطرترین راه آنان را به فیض لقای خویش نایل سازد.

«أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَنِي مِنْ أَوْفَرِهِمْ مِنْكَ حَظًّا، وَأَعْلَاهُمْ عِنْدَكَ مَنْزِلًا، وَأَجْزَلَهُمْ مِنْ وَدِّكَ قِسْمًا، وَأَفْضَلَهُمْ فِي مَعْرِفَتِكَ نَصِيبًا، فَقَدْ انْقَطَعَتْ إِلَيْكَ هِمَّتِي، وَأَنْصَرَفَتْ نَحْوُكَ رَغْبَتِي، فَأَنْتَ لَا غَيْرُكَ مُرَادِي، وَلَكَ لَا لِسِوَاكَ سَهْرِي وَسَهَارِي، وَلِقَاؤُكَ فُرْقَةٌ عَيْنِي، وَوَصْلُكَ مُنَى نَفْسِي، وَاللَّيْلُ شَوْقِي، وَفِي مَحَبَّتِكَ وَلَهْيِي، وَإِلَى هَوَاكَ صَبَابَتِي، وَرِضَاكَ بُعْتِي، وَرُؤْيُتَكَ حَاجَتِي، وَجِوَارُكَ طَلْبِي، وَقُرْبُكَ غَايَةُ سُؤْلِي، وَفِي مُنَاجَاةِكَ رَوْحِي وَرَاحَتِي، وَعِنْدَكَ دَوَاءٌ عِلَّتِي، وَشِفَاءٌ غَلَّتِي، وَبَرْدٌ لَوْعَتِي، وَكَشْفٌ كَرْبَتِي، فَكُنْ أُنَيْسِي فِي وَحْشَتِي، وَمُقْبِلٌ عَثْرَتِي، وَغَافِرٌ زَلَّتِي، وَقَابِلٌ تَوْبَتِي، وَمُجِيبٌ دَعْوَتِي، وَوَلِيُّ عِصْمَتِي وَمَعْنِي فَاقْتِي، وَلَا تَقْطَعْنِي عَنْكَ، وَلَا تُبْعِدْنِي مِنْكَ، يَا نَعِيمِي وَجَنَّتِي، يَا دُنْيَايَ وَآخِرَتِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ»؛ از تو ای معبودم درخواست می کنم که از بین آنان بهره فراوان تری از فضل خود نصیب کنی، و منزلتم را نزد خود بالاتر از آنان قرار دهی، و سهم مرا از دوستی و محبت خودت بزرگتر و نصیبم را از معرفت به خودت افزون تر گردانی، که ای خدای بزرگ، توجه من از غیر تو منقطع و به تو معطوف گشته است و دلم تنها مشتاق توست. تنها تو مقصود منی، و تنها از شوق توست شب بیداری و کم خوابی من، و لقای تو نور دیدگانم، و مقام وصلت تنها آرزوی من است. شوق و اشتیاق من به سوی توست، و سرگشته و واله محبت تو و دل باخته

کسب رضایت و خشنودی توست. خداوندا، قرب و دیدار تو نهایت آرزو و خواسته من است و راز و نیاز با تو دل خوشی و آرامش بخش دل من است و من جز آن، دل خوشی دیگری ندارم. خداوندا، دوی درد من نزد توست و تنها تو می توانی آتش درونم را خاموش کنی و غصه و اندوهم را فرونشانی.

در پایان مناجات حضرت می فرمایند: خداوندا، در هنگام تنهایی و روی گردانی از دیگران تو انیس و همدم من باش، و خطاها و لغزش هایم را ببخش، و توبه ام را بپذیر، و دعا هایم را اجابت کن. خداوندا، مرا از گناه حفظ کن و مصون بدار تا خود را بدان نیالایم. خدایا، مرا از خودت دور نساز، تو همه کس و همه چیز و بهشت من و دنیا و آخرت من هستی.

#### پی نوشت ها .....

- ۱- محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۲، ص ۸۴، ح ۵.
- ۲- همت در اینجا به معنای «همت» در فارسی که با پسوند «بلند» و «پست» ذکر می گردد نیست، بلکه به معنای علاقه و میل و عزم و اراده است.
- ۳- «واله» و «وله» به مرتبه ای از محبت اطلاق می شود که موجب سرگردانی و تحیر است و بالاتر از این مرتبه و مرحله «هیام» است که بر عاشقی اطلاق می شود که دیوانه وار و مجنون صفت در پی معشوق می دود و عشق آتشین او را سرگشته کوی معشوق می کند.

معنا که سوای محبوب، حتی به عنوان تابع محبوب که محبت به او به تبع محبت به محبوب باشد مطرح نیست، بلکه محبت و توجه انسان یک پارچه متوجه محبوب است و آن گاه شعاع محبت محبوب به مقربان به محبوب می تابد و آنان نیز در شعاع محبت به محبوب قرار می گیرند.

ما در زندگی به امور گوناگونی توجه و اهتمام داریم. چنان نیست که علاقه و توجه ما متمرکز بر یک چیز گردد. اما حضرت در بیان خود که جنبه تعلیمی برای دیگران نیز دارد می فرمایند: خدایا، اهتمام و توجه من منحصر در تو گشته است؛ یعنی آن حضرت به مرتبه ای از تعالی و کمال و تقرب به خداوند نایل گشته اند که غیر معبود نمی تواند برای ایشان جلوه گری داشته باشد و دل ایشان را به خویش جلب کند. با توجه به این مرتبه از تعالی و کمال است که از خداوند می خواهند که سهم ایشان از معرفت و محبت خود را بیش از دیگران قرار دهد.

خداوندا، تو مراد و خواسته من هستی و اراده من فقط به تو تعلق گرفته است، نه به چیز دیگر، و به هوای کوی تو و عشق جوار تو و تنها برای تو به شب زنده داری می پردازم و چنان نیست که طمع بهشت و یا ترس از جهنم مرا به عبادت و بندگی وادارد و انگیزه ای جز تو و نیل به مقام قربت برای بندگی، عبادت و نجوای شبانه ندارم. خداوندا، روشنی چشم من در دیدار و ملاقات توست و با دیدار تو به آرامش ابدی دست می یابم.

خداوندا، وصال تو آرزوی دل من است و آرزو دارم به مقامی از قرب و وصال تو برسم که دیگر هیچ واسطه ای بین من و تو نباشد. خداوندا، شوق و اشتیاق من به سوی توست نه چیز دیگر و من واله،<sup>(۳)</sup> سرگشته، شیدا و دل باختنه محبت توام. خداوندا، رضای تو مطلوب من است و مقصود من عشق ورزی به تو و تلاش هایم برای